فصلنامه علمی – ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره هشتم ، پاییز ۱۳۹۳- صفحه۱۴۷ - ۱۷۲

رویکردهای مختلف به انسان اقتصادی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۵/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۱۵

باقر حسامی عزیزی*
احمد علی پور**

چکیده

رکن اساسی فعالیتهای اقتصادی، انسان اقتصادی می باشد، لذا هر نظام اقتصادی بسته به نوع تعریفی که از این موضوع دارد اقتصاد جامعه خود را پوشش می دهد. در این زمینه اندیشمندان مسلمان نیز به نوبه خود با توجه به دین اسلام تعاریف مختلفی نسبت به مفهوم انسان اقتصادی داده و آن را متفاوت از غرب تعریف می کنند. در این تحقیق سعی شده است که نظرات مختلف اندیشمندان مسلمان نسبت به انسان اقتصادی جمع آوری شود سپس نقاط مشترک و اختلافها مشخص گردد.

واژگان کلیدی: *انسان اقتصادی، رویکرد اندیشمندان غربی، رویکرد نظام اقتصادی، رویکرد اسلامی*

* استادیار، گروه اقتصاد، دانشگاه پیام‌نور، تهران
** دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد اسلامی، دانشگاه پیام نور، ساری(نویسنده مسئول) a.ahmad.aramesh@gmail.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

مقدمه

مهمترین رکن انسان اقتصادی در نظریه پردازی‌ها انسان شناسی می باشد. انسان شناسی در این دیدگاه‌ها دارای اهمیت بسزایی دارد و هر گونه تغییر در آن بسیاری از فروض اساسی انسان اقتصادی دستخوش تغییر خواهد شد. همانطور که مشخص است انسان اقتصادی مفهومی مرتبط با زندگی انسان است، از این رو باید این انسان را ابتدا شناخت و پس از شناخت انسان به فعالیتهای اقتصادی آن پرداخت، بنابراین سنگ بنای انسان اقتصادی تعریف انسان و انسان شناختی آن است. می توان به طور یقین بیان کرد که یکی از مؤلفه هایی که باعث اختلاف در نظرات دانشمندان مختلف (چه غربی و چه مسلمان) در مفهوم انسان اقتصادی شده، چگونگی شناخت انسان می باشد. اختلاف در ماهیت و ابعاد وجودی انسان چه از منظر شخص و چه از منظر دین و مکتب از این جهت مهم است که هر بعد از این انسان تاثیر مستقیمی در فعالیتها می گذارد. مثلا اگر انسان را تک بعدی فرض کنیم به ناچار کلیه فعالیتها و رفتارهای انسان باید در این بعد خلاصه شود و شکل گیرد. و چون فرض بر تک بعدی بودن آن است پس نمی توان خارج از آن فکر کرد و رفتار کرد لذا کلیه توجیه‌های اقتصادی در حیطه مادی به ناچار خلاصه می گردد. اما با اضافه شدن بعدهای دیگر حیطه فعالیتهای انسان گسترده تر شده مفهوم انسان اقتصادی بازتر و گزینه‌های بیشتری را خواهد داشت.

موضوع تحقیق رویکردهای مختلف مسلمانان به انسان اقتصادی می باشد. این مقاله شامل سه بخش می باشد. در بخش اول به بیان مفهوم انسان اقتصادی پرداخته و عقاید و نظرات دانشمندان مختلف غرب نسبت به انسان اقتصادی را بیان می شود تا با این مفهوم بطور مفصل و با جوانب مختلف آن آشنا شویم، همچنین سعی شده است که موارد ایده آل دانشمندان نیز در تحقیق آورده شود و این از آن جهت است که بعضی از موارد مذکور در دنیای عقل می تواند شکل گیرد اما در واقع برخی از این آیتم‌ها قابل رد می باشند. سپس به بیان مفهوم انسان اقتصادی از نگاه سرمایه داری که اقتصاد متعارف می باشد می پردازیم. نظام اقتصادی سرمایه داری نیز بر پایه یک اصول و مقدماتی می باشد که یکی از این اصول مهم مکتب دئیسم می باشد، لذا به بررسی این مکتب نیز پرداخته شده و پس از بیان آیتمهای اصلی این مکتب به بیان ویژگی‌های انسان اقتصادی از منظر اقتصاد متعارف می پردازیم[1]. در بخش دوم این

۱. بیشتر مطالب بخش دو از مقاله آقای سید رضا حسینی در مجله کتاب نقد، تابستان ۱۳۷۸، شماره ۱۱، بهره برداری شده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

تحقیق به بیان رویکردهای متفاوت اندیشمندان مسلمان در خصوص انسان اقتصادی پرداخته شده و هر کدام از این اندیشمندان با توجه به معیارهای مورد قبولشان در موضوع انسان اقتصادی، عنوانی متناسب با این ویژگیها اطلاق داده شده است. مثلا حداکثر سازی منافع دنیا و آخرت عنوان منتخبی می باشد که از اصول مورد قبول دکتر هادوی نیا[۱] استنتاج می شود، همچنین دیدگاه چندگانگی انسان اقتصادی نیز عنوان منتخب برای موضوع انسان اقتصادی از کتاب مبانی اقتصاد اسلامی می باشد. رویکرد هنجاری به انسان اقتصادی عنوان منتخب برای مباحث کرمی و دیرباز می باشد، و در پایان عنوان منتخب برای مباحث میر معزی حداکثر سازی لذت دنیا و آخرت می باشد. پس از اتمام بیان نظرات و اصول مورد قبول اندیشمندان مسلمان در خصوص انسان اقتصادی نوبت به جمع بندی و نتیجه گیری می رسد. در بخش پایانی علاوه بر نتیجه گیری کلی سعی در تدوین جدولی شده که در این جدول آیتم‌های مهم انسان اقتصادی این دیدگاه‌ها در یکجا جمع گشته تا در آن وجه تمایزات و مشترکات بیشتر نمایان گردد.

۱. مفهوم انسان اقتصادی از منظر اندیشمندان غربی

انسان اقتصادی الگوی مهمی است که اقتصاد بر اساس آن رشد و رونق می گیرد لذا اقتصاددانان و اندیشمندان هر کدام تفسیر به خصوصی از انسان اقتصادی دارند.

به عبارت دیگر شاید بتوان ادعا نمود «اصول بنیادین علم اقتصاد، از مدل انسان اقتصادی نشأت می گیرد»[۲].

و اصولی مانند: حداکثر سازی ثروت، حداکثر سازی مطلوبیت، حداقل سازی هزینه ها، ائتلاف منابع و... همگی بر اساس این مدل می باشد[۳].

---

۱. برگرفته از کتاب ایشان به نام فلسفه اقتصاد (در پرتو جهانبینی قرآن کریم)، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶

و کتاب دوم ایشان معنویت و اقتصاد (مقایسه ای تطبیقی بین نظام اقتصادی اسلام و سرمایه داری)، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، بهار ۱۳۸۰.

۲. نظر فریتزمک لاپ دراین باره چنین است: «نقش انسان اقتصادی در رابطه با نیازهای اصول موضوعه سیستم تئوریکی اقتصاد روشن می گردد».

۳. فریتزمک لاپ در این باره چنین نتیجه گیری می کند: «فروض اساسی (خواه به صورت قضایای شرطی، جعل سودمند و یا تجربه شناخته شده) درباره رفتار حداکثر سازی (که به معنای عکس العمل حداکثر سازی مطلوبیت

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

در اینجا منظور از انسان اقتصادی «یک مدل فرضی و ایده آلی است که ذهن انسان برای تصویر صحنه‌های فرضی رفتار اقتصادی انسان، آن را درنظر می گیرد» و همانگونه که ذکر رفت یک مدل ایده آل نیز صرفاً مجموعه ای از ساخته‌های ذهنی است که در ارتباط و ترکیب با یکدیگر شکل می گیرند.

مبدع این تفکر که انسان اقتصادی به عنوان یک «نوع آرمانی» مطرح است، «ماکس وبر» می باشد[۱]. مفسران نظریات او در این زمینه، به دلایل مختلف برداشتهای کاملاً متفاوتی داشته اند، تا جائی که بعضاً تفاسیرشان در تعارض آشکار با صراحت بیان خود ماکس وبر قرار دارد. آنچه برای همه مفسران روشن است، این است که هر مفهومی تحت عنوان «انواع آرمانی» یک ابزار ذهنی مفید در تفکر و سخن گفتن راجع به پدیدارهای معین می باشد و اختلاف، عمدتاً در زمینه «برای چه کسی» و «برای چه منظوری» بروز نموده است[۲].

بعضی معتقدند که انواع آرمانی منحصراً در جهت تفسیر شخصیت‌های منفرد تاریخی، کنش ها، حوادث، نهادها و افکار تعلق دارد، که مورد استفاده مورخین است. عده دیگری آن را مختص جامعه شناسی دانسته و عده دیگری آن را هم برای تاریخ و هم برای جامعه شناسی مناسب دیده اند، ولیکن نه برای توصیف تاریخی، بلکه برای استدلال و تعمیم[۳] و ارائه تئوری عمومی[۴] بعضی دیگر از نویسندگان انواع آرمانی را بمثابه مفهوم مناسبی برای تحقیق تاریخی و تئوریک (تحلیلی) پدیدارها، روندها، شخصیتها و مصنوعات دنیای فرهنگ تلقی می کنند و همچنین عده ای، علوم طبیعی تحلیلی را نیز در زمره استفاده کنندگان «انواع آرمانی» می دانند.

همانگونه که از مباحث فوق روشن می گردد، اکثر کسانی که در مباحث مربوط به انواع آرمانی شرکت داشته اند، کوشیده اند تا به نوعی کاربرد آن را به این راه و یا آن راه محدود کنند، در حالی که خود ماکس وبر هیچ یک از محدودیتهای پیشنهادی مفسرانش را در تعریف خود نیاورده است.

خانوارها و یا بنگاههاست) به عنوان جزء لاینفک سیستم تئوریکی اقتصادی شناخته شده است و این فروض اغلب به صورت شکل سیستماتیک و یا نوع ایده آل شخصی انسان اقتصادی، ظاهر گردیده اند».

1 .WEBER, M , 1949, PP 43 _4.
2 .MACHLUP, F, 1978, PP 273 _ 6.
3 .EXTENSION.
4 .PUBLIC THEORY.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

«نوع آرمانی عبارت است از مفهومی که مشخصاً برای رفتار انسان و آثار رفتـار انسـانی مناسـب است»[۱].

فریتز مک لاپ در تعریف انسان اقتصادی اظهار می دارد:

«انسان اقتصادی عبارت است از نوع آرمانی[۲] و مدل ایـده آل بـرای صـحنه‌هـای فرضـی رفتـار اقتصادی انسان[۳]».

ویژگی‌های کلی انسان اقتصادی عبارتنـد از: «حسـابگری، تعقیـب نفـع شخصـی، طلـب حداکثر با کمترین هزینه، دارای اطلاعات کامل»

۱-۱. مفروضات انسان اقتصادی

بنا بر این به طور خلاصه خصو صیات انسانِ مفروض در دانش اقتصاد متعارف عبارت است از:

۱-۱-۱. انسانِ مفروض در دانش اقتصاد متعارف نئوکلاسیک دارای هویـت فـردی اسـت. اساسـاً جامعه

هویتی جز جمع جبری افراد ندارد. بر همین اساس، در تمام تئوری‌های اقتصادی تنها رفتار فرد در عرصه مصرف و تولید تئوریزه می شود. آنگاه که بناسـت رفتـار مصـرفی یـا تولیـدی جامعـه تئوریزه شود فقط رفتارهای فردی افراد جامعه جمع بسته می شود. بر این اسـاس، افـراد بـدون توجه به رفتار افراد دیگر رفتار اقتصادی خود را شکل می دهند.تابع مطلوبیت افراد بـه گونـه ای تعریف می شود که اساساً تحت تاثیر رفتار دیگران نیست. «اصالت فرد» و فـرد گرایـی مفهـومی است که به روشنی خصوصیت این انسانِ مفروض در دانش اقتصاد متعارف نئوکلاسیک را بیـان می کند. البته قرائتهای مختلفی از فردگرایـی وجـود دارد: از فردگرایـی آلمـانی و فرانسـوی تـا فردگرایی انگلیسی و آمریکایی، از فردگرایی انحصارگرا تا فردگرایی گسترش خواه، از فردگرایـی روش شناختی و معرفت‌شناختی تـا فردگرایـی ذره‌ای و ملکـی. عنصـر مشـترک در تمـام ایـن قرائتها نقش محوری فرد است. دانشمند معاصر، لیوکس (Lukes,۱۹۷۳) حداقل یازده معنـای ممکن برای این واژه تشخیص داده است که دامنه معنایش از احترام به ارزش انسانی، اسـتقلال

1 .WEBER, M , 1949, P 44.
2 .IDEAL TYPE.
3 .IBID, P 281.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

و آزادی عمل، حرمت امور شخصی، خود ـ بسطی، تا فردگرایی معرفت‌شناسانه و روش‌شناسانه می‌رسد[۱].

معنای جامعی که همه ابعاد فردگرایی را می‌پوشاند در فرهنگ اقتصادی نئوپالگریو(۱۹۸۷) آمده است:

«فردگرایی، آن نظریه اجتماعی یا ایدئولوژی اجتماعی است که ارزش اخلاقی بالاتری را به فرد در قبال اجتماع یا جامعه اختصاص می‌دهد، و در نتیجه فردگرایی نظریه‌ای است که از آزادگذاردن افراد بنحوی که عمل کنند به هر آنچه که تصور می‌کنند به نفع شخصی خودشان است، حمایت می‌کند[۲]»

۲-۱-۱. هدف زندگی این فرد انسانی که از طبیعت او ناشی می شود منفعت طلبی مادی فردی است و نه هیچ چیز دیگر. آدام اسمیت حتّی اجتماعی بودن انسان را از نفع‌طلبی و سودجویی مادّی وی ناشی دانسته، می‌گوید:

... این از خیرخواهی قصّاب و نانوا نیست که شام و ناهار ما را ترتیب می‌دهند؛ بلکه صرفاً به ملاحظه منافع خود آن‌ها است. ما به انسانیت و نوع دوستی آن‌ها متوسّل نمی‌شویم؛ بلکه به نفع‌طلبی و سودجویی آن‌ها مراجعه می‌نماییم[۳].

۳-۱-۱. این انسان برای تحقق حداکثری تمایل و هدف منفعت طلبی مادی فردی خود از یک ابزار منحصر به فرد به نام «عقل »برخوردار است. این خصوصیت توسط مرتضی مردیها (۱۳۸۰:۱۵) بیان شده است:

انسان همچون تمامی حیوانات دیگر، موجودی است خواهشگر، خواستن و میل داشتن آن هم به گونه یک نیاز که موجود را به سمت برطرف کردن آن براند، وصفی است که از متن حیوانیت بر می خیزد. اساسی ترین وجه مشترکی که میان حیوانات می توان سراغ کرد این است که تمامی آنها با جدیت تمام و گاه با مایه گذاشتن جان، در پی تامین امیال خود به حرکت در می آیند. اعم از اینکه با تامین آن به لذتی دست یابند یا از رنجی برهند. انسان از این حیث در عداد حیوانات و بلکه در رأس آنها قرار می گیرد، زیرا انسان نه تنها عموم امیال

1 .The New Palgrave, A Dictionary of Economic; Edited By John Eatwell; Volum.
2 .The New Palgrave; P.190
۳. ژید شارل و ریست شارل، تاریخ عقاید اقتصادی، ص۸۸.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

حیوانات را، بعضا به شدت و قوت بیشتری دارد، بلکه امیال او تنوع بیشتری نیز به خود می گیرد. تفاوت اساسی و مهمی که انسان را از حیوان جدا می کند این است که انسان برای تحقق امیال خود به ابزاری به نام عقل[۱] مجهز است که به او امکان می دهد برای نیل به مقاصد طبیعی خود ابزارسازی کند، اعم از آن که این ابزار از جنس حیله‌های فکری و یا وسائل مادی باشد.

«انسان اقتصادی مدلی است که بر اساس رفتار اقتصادی منطقی و عقلائی[۲] انسان شکل گرفته و به عنوان اصل موضوعه در تعیین سیستم قیاسی ـ استنتاجی تئوری‌های اقتصادی (از طریق تعیین معادله رفتاری) نقش اساسی را دارا می باشد».

بنابراین با توجه به این دیدگاه که به طور کلی اندیشه انسانی از طریق تمسک به مدلهای ایده آل صورت می پذیرد، مطرح شدن «انسان اقتصادی» به عنوان یک نوع آرمانی، کاملاً معقول و منطقی به نظر می رسد. اما در عین حال باز هم به لحاظ عدم توافق دانشمندان اقتصادی در مفهوم این کلمه و ابراز نقطه نظرات گوناگون، هنوز ابهامات بسیاری نسبت به کاربرد آن در مباحث اقتصادی وجود دارد.

۲. مفهوم انسان اقتصادی از نگاه سرمایه داری

هر مکتب اقتصادی مبتنی بر مجموعه‌ای از عقاید درباره فرد و جامعه انسانی است. اینکه انسان چگونه موجودی است؟ هدف از زندگی چیست؟ چه قوانینی بر رفتارهای انسانی حاکم است؟ میان منافع فرد و اجتماع چه نسبتی است؟ سؤالات مذکور از اساسی‌ترین سؤالهایی هستند که تبیین آنها چارچوب اصلی یک مکتب اقتصادی و به تبع آن الگوی انسان اقتصادی را تشکیل می‌دهد. منبع اصلی تفکر اقتصاد متعارف (سرمایه داری) از مکتب دئیسم می باشد که برای درک بهتر و روانتر پدیده‌ها و انگیزه‌ها ابتدا به مکتب دئیسم و مشخصات آن اشاره می گردد:

۲-۱. مکتب دئیسم

---

۱. در باب عقل مباحث زیادی وجود دارد، جهت مطالعات بیشتر به نوشته دکتر رحیم نژاد سلیم عضو هیأت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان با عنوان (مراتب عقل در آیه مبارکه نور) مراجعه شود، مجموعه مقالات همایش بین المللی ابن سینا ۱۳۸۸/۸/۱۰.

۲. منظور از رفتار اقتصادی منطقی و عقلائی، رفتاری است که مورد نظر عقل تئوریسین اقتصادی باشد که معمولاً در دستگاه خاص مادی گرایی، شکل می گیرد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

بدنبال رفتار عجیب و غریب رهبران کلیسا و ایستادگی نامعقول آنان در برابر اکتشافات علمی پس از رنسانس، مکتب دئیسم در زمینه خداشناسی مطرح شده بود. دئیسم، جریانی مذهبی بود که در واکنش به تعالیم کلیسا بوجود آمد. ویژگی عمده این مذهب، اتکا به عقل انسان و بی‌نیازی او از تعالیم آسمانی و نفی ارتباط خداوند با عالم طبیعت پس از خلقت است. استدلال اصلی دئیسم چنین است که خداوند به مقتضای علم و حکمت بی‌پایان خود، عالم را به نیکوترین صورت و بگونه‌ای قانمونمند و نظام‌مند خلق کرده است. نظام خلقت، نظام احسن است و هیچ رخنه‌ای در آن وجود ندارد تا نیازمند ترمیم و تصرف مداوم خداوند باشد. بنابراین، اعتقاد به نیاز عالم به ماوراء طبیعت، در واقع به معنای ناقص دانستنِ خلقت خداوند است و چنین اعتقادی نمی‌تواند درست باشد. معتقدین به دئیسم، جامعه انسانی را جزئی از عالم طبیعت به حساب می‌آورند و با استدلال فوق، نیاز انسان به راهنمایی از طریق وحی و نبوت را نیز مستلزم ناقص دانستنِ دستگاه خلقتِ الاهیِ »انسان» دانسته و آنرا نفی می‌کردند.

«دئیسم»، نقطه آغازی برای جدا شدن انسان از پروردگار و محروم شدن او از تعالیم انسان‌ساز ادیان الهی بود. نطفه تمامی علوم اجتماعی ماتریالیستیِ غرب و شرق از جمله اقتصاد «لیبرال - سرمایه‌داری»، بر همین دیدگاه بسته شد.

۱-۱-۲. نکات اساسی در فلسفه دئیسم

۱ـ استدلال اصلی دئیسم، این است که مداخلات خداوند در عالم هستی، پس از خلقت اولیه، بمعنای پذیرش وجود نقص در دستگاه آفرینش است. در این استدلال، فرض شده که خداوند تمامی عوالم هستی را به یکباره خلق نموده است پس مداخله بعدی او به ناچار باید برای برطرف نمودن عیبی بوده باشد و چونکه خداوند حکیم است و در خلقتش عیبی نیست، نیازی به این مداخله نخواهد بود.

۲ـ مقدم بودن قوانین طبیعت بر بشر که به فرض »انحصار عالم مخلوقات» در عالم طبیعت اشاره دارد.

۳ـ با آزاد گذاشتن افراد در انتخاب رفتارها، بین این رفتارهای پراکنده نظمی بوجود می‌آید که بهترین راه برای تأمین سعادت بشر است.

۴ـ پایه گذاری اقتصاد بر مبنای غریزی

ـ تبعیت محض »رفتار انسان» از نفع شخصی

ـ حسابگر بودن »انسان» در تعقیب منافع شخصی (عقلانیت ابزاری)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

۲-۱-۲. حاکمیت قوانین طبیعی بر رفتارهای انسان

بعد از تحول صنعتی در اروپا و مشاهده پیشرفت‌های علم فیزیک، و نارسایی تعالیم کلیسا و ظهور مکتب دئیسم (خداشناسی طبیعی) در فلسفه، فیزیوکراتها از حاکمیت بلامنازع قوانین طبیعی بر رفتار آدمی سخن گفتند و اراده و اختیار انسانی را نفی کردند. آنان جامعه انسانی را یک ماشین بزرگ تصور می‌کردند که با مجموعه‌ای از قوانین طبیعی اداره می‌گردد و قانون طبیعت، بهترین قانون برای تنظیم روابط اجتماعی است.

فیزیوکراتها اجتماع انسانی را به بدن موجود زنده تشبیه می‌کردند که تحت تابعیت قوانین طبیعی قرار دارد، به عبارتی دیگر «کافی است آنها را درک کنیم تا از آنها تبعیت نمائیم». «دکتر کِنِه»[1] که درباره چگونگی گردش خون در بدن تحقیقاتی انجام داده بود، گردش ثروت در جامعه را بدان تشبیه می‌نمود و اقتصاد اجتماعی در نظر او همانند علم فیزیولوژی جلوه می‌کرد. در نظر فیزیوکراتها نظام طبیعی با همان عظمت قوانین هندسی و با صفات دو گانه آنها یعنی »کلیت» و «تغییر ناپذیری» جلوه می‌کند. این در ذات نظام است که نفع شخصی از منافع عموم جدا نیست و «در این صورت، جهان به خودی خود پیش می رود و میل به تمتع و سودجویی در جامعه، حرکتی به وجود می‌آورد که به صورت گرایش دائم به سوی بهترین وضع ممکن است» بنابراین و بطور خلاصه ما کاری جز این نداریم که بگذاریم بشود. پس از فیزیوکراتها تلاش‌های فراوانی برای تشریح نظام طبیعی حاکم بر رفتار انسان به عمل آمد. حاصل این تلاشها با انتشار کتاب آدام اسمیت، تحت عنوان »تحقیق در ماهیت و

---

۱. فرانسوا کنه (۱۷۷۴- ۱۶۹۴)، بنیانگذار و رهبر مکتب فیزیوکرات می باشد. او پزشک مخصوص دربار بود. از دید کنه، جامعه مانند ارگانیسم بدن است و گردش سرمایه و کالا در اقتصاد، همانند گردش خون در بدن می باشد. قوانین جامعه نیز باید مطابق با قوانین طبیعی باشد.

دکتر کنه در کتاب خود با نام «حقوق طبیعی» می نویسد: «قانون طبیعی جریان منظم هر واقعه طبیعی است که مطابق نظام خاص طبیعت انجام یافته باشد. بدیهی است که این جریان از هر ترتیب دیگری برای نوع بشر مفیدتر و پرثمرتر است.»

تابلوی اقتصادی: تابلوی اقتصادی کنه، بیانگر گردش کالا و پول در یک اقتصاد ایده‌آل می باشد که مبتنی بر رقابت و کسب و کار آزاد است. او این تابلو را به پادشاه فرانسه تقدیم کرد. این شیوه بررسی مسائل اقتصادی بعدها، روش اقتصاد کلی نامیده شد.

گردش ثروت: کنه گردش ثروت در جامعه را به گردش خون در بدن تشبیه می کند. از دید او تعادل اقتصادی یکی از عناصر اصلی اقتصاد است. دکتر کنه اعتقاد دارد که کشاورزان طبقه مولد جامعه هستند و ارزش محصول اضافی را کشاورزان به مالکان زمین می پردازند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

علل ثروت ملل» به بار نشست. وی قانون طبیعی که فیزیوکراتها درصدد بکـار بسـتن آن بودنـد، در حال حاضر، موجود و در معرض اجرا دانست. ساده‌نویسی، ارائه شـواهد زنـده از وقـایع عصـر، هنر نویسندگی و از همه مهمتر سازگاری اثر اسمیت با نیازهای جامعـه سـرمایه‌داری، مقبولیـت سریع و چشمگیری برای آن بوجود آورد. فرمولهائی که بدین ترتیـب کشـف گردیـد، پایـه‌هـای اولیه اقتصاد جدید را بنا نهاد و هم اکنون نیز اساسی‌ترین فروض اقتصاد سرمایه‌داری مبتنی بـر آن است. در حقیقت در تئوری »توسعه» اقتصادی در آموزه‌های لیبـرال - سـرمایه‌داری، انسـان مبتنی بر نوعی حیوان‌انگاری مفرط و توهین‌آمیز تلقی می شود.

تبعیت رفتار انسان از نفع شخصی

آدام اسمیت قبل از انتشار کتاب »ثـروت ملـل»، در کتـاب معـروف خـود، «تئـوری احساسـات اخلاقی»، انگیزه همدردی را مهمترین عامل حفظ نظم اجتماعی و منافع عمومی معرفـی کـرده بود. در این کتاب او روح همدردی و نوعدوستی را ناظر بی‌طرفی معرفی می‌کند که فعالیت‌هـای پراکنده افراد را به سمت یک نظم اجتماعی راهنمائی می‌کند. اما وی پس از آشـنایی بـا عقائـد فیزیوکراتها در مسافرت به فرانسه، در معروفترین اثر خود، «ثروت ملـل»، تجدیـد نظـر کـرده و انگیزه خودخواهی و نفع طلبی شخصی را جایگزین انگیـزه همـدردی نمـود. دربـاره تضـاد و یـا سازگاری این دو عقیده اسمیت، دو دیدگاه ارائه گردیده است. گروهی مانند برخـی اقتصـاددانان آلمانی، این دو عقیده را در تضاد با یکدیگر می‌دانند و آنرا دلیـل عـدم انسـجام فکـری اسـمیت می‌دانند و در مقابل، گروه دیگری با این توجیه که »ثروت ملل»، انگیزه «همدردی» را فرامـوش نکرده بلکه آن را تنها با انگیزه «تعقیب نفع شخصی»، ممکن می‌داند، تلاش نموده‌انـد تـا میـان عقائد اسمیت در دو کتاب، سازگاری ایجاد کنند. به هر ترتیب، آنچه به عنوان یک جریان غالـب وارد اقتصاد گردید، نظر اسمیت در کتاب ثروت ملل بود و ما عقائد او را به همین دلیل، بررسـی خواهیم نمود.

در قانون طبیعی که فیزیوکراتها کشـف کـرده بودنـد، منـافع خصوصـی و فـردی، نقـش برجسته داشت.

اسمیت نیز انگیزه خودخواهی و نفع شخصی را قاعده عـام و جهانشـمولی مـی‌دانـد کـه برتمـام رفتارهای اقتصادی انسان حاکم است. فرد همواره در جستجوی نفع شخصی خویش و تمایـل او به بهزیستی مادی، انگیزه نیرومندی است که از گهـواره تـا گـور، همـراه اوسـت. وی بـا تأکیـد مبالغه‌آمیز برانگیزه خویشتن‌پرستی و تعقیب نفع شخصی، در صـدد برمـی‌آیـد تـا انگیـزه‌هـای

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

نوعدوستی و همدردی با دیگران و حتی مسئله نجات غریق را هم ناشی از حس خود خواهی شخص معرفی کند. به گفته او:

«کسی که برای نجات دیگری از خطر غرق شدن خود را در همان خطر می‌اندازد نه بخاطر آن است که در ذهن او دفاع از جان دیگران، اصلی اخلاقی مطلق است بلکه مثلاً بدین دلیل است که می‌ترسد در غیراینصورت به بزدلی یا عدم همدردی با همنوع متهم گردد، شاید هم گمان می‌کند از این راه سود مستقیمی عاید او می‌شود یا آن که فردی که در خطر غرق شدن است در فرصت دیگری خدمتی مشابه برای او انجام خواهد داد»

اسمیت کارکردن بخاطر نفع عامه را یک پندار ظاهری و خالی از واقعیت می‌داند و می‌گوید:

«... من هرگز از کسانی که بخاطر منافع عامه، تجارت می‌کنند، چندان چیزی ندیده‌ام، در واقع چنین نیتی در بین بازرگانان معمول نیست با چند کلمه می‌توان آنان را از این نیت منصرف کرد!».

جرمی بنتام که نظرات اخلاقی او مبنای اخلاقی مکتب لیبرال - سرمایه‌داری را شکل داده است، مشابه اسمیت معتقد است که:

«ما فقط یک وظیفه داریم و آن جستجوی بالاترین لذت ممکن است و مسئله رفتار انسان، فقط مسئله تعیین این است که چه چیزهایی بیشترین لذت را به انسان می‌بخشد».

این عقیده اسمیت و بنتام در شکل دادن به دکترین توسعه لیبرالی و نظریه‌های اقتصاد جدید، فوق‌العاده مؤثر بود و هم اکنون بسیاری از فروض اساسی اقتصاد کلاسیک مانند فرض «تعقیب حداکثر مطلوبیت» در نظریه رفتار مصرف‌کننده و «حداکثر سود» در نظریه رفتار تولیدکننده، مبتنی بر همین عقیده است.

در نقطه مقابل تصورات فوق، تفکرات کانت با اختلاف در نحوه تفکر و توصیف انسان و پروردگار و مبنا قرار دادن الگوهای خدا دوستانه و اخلاق مداری، نگرشی متفاوت با اندیشمندان زمان خود ارائه نموده است. کانت همگام با قدرت عقل به قدرت ایمان می پردازد و آن را با اراده هماهنگ می سازد، در این صورت ایمان بخشی بزرگ از عقل عملی محسوب می شود، یعنی برای او ایمان درعرصه عقل عملی مطرح است و وظیفه آن ساماندهی آنچه با مقدرات روحی روانی انسان مرتبط است، می باشد. او معتقد است که از طریق عقل عملی باید و می توان به وجود پروردگار پی برد، در کتاب (دین در محدوده عقل تنها) که از آخرین آثار کانت محسوب می شود، به وضوح می توان نوعی تحول را در ساختار اندیشه او مشاهده کرد. تفکرات

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

کانت در حوزه های گوناگونی همچون فلسفه، تربیت، آموزش، سیاست، و اقتصاد به گونه ای مطرح شده است که اقتصاد غرب را دچار تحول نموده است. جهت آشنایی بیشتر با تفکرات کانت می توان به مجموعه مقالات علمی پژوهشی سمینار کانت مراجعه نمود[۱].

حسابگر بودن انسان در تعقیب منافع شخصی (عقلانیت ابزاری)

منحصر بودن انگیزه‌های شخص، به »خودخواهی و نفع‌طلبی«، و محدود کردن منافع شخصی به درآمد و ثروت، فرد را قادر می‌سازد که در رفتارهای خود با سنجیدن سود و زیان شخصی خود از پیامد اعمال، گزینه‌ای را انتخاب کند که حداکثر سود را برای او تأمین کند. مکتب سرمایه‌داری، انسان را بگونه‌ای تعریف می‌کند که به تحریک نفس برای کسب لذت و جلب منفعت، حرکت می‌کند و با اتکا بر عقل حسابگر خویش، بهترین راه دستیابی به موفقیت اقتصادی یعنی بدست آوردن ثروت بصورت پول یا کالا، را بر می‌گزیند. بدین ترتیب همه انسانها در انتخابها و تصمیم‌گیریهای خود از معیار و منطق واحدی پیروی می‌کنند که اصطلاحاً »رفتار عقلایی« نامیده می‌شود. از آنجاکه در اینگونه رفتار، هدف و نوع اعمالی که باید انجام شوند با اتکا بر تمایلات نفس، تعیین می‌شوند و نقش عقل، محدود به نشان دادن شیوه‌های دستیابی به حداکثر لذت و نفع شخصی است، به عقلانیت چنین رفتاری، «عقلانیت ابزاری» گفته میشود.

هابز درباره تعقل انسان و روحیه حسابگری وی می‌گوید:

«جز ملاحظه منافع شخصی، چیز دیگری نمی‌تواند انگیزه رفتار آدمی باشد و حتی اگر عقل و منطق، کوته‌بینی او را در این اعمال رقابت‌آمیز به وی بنمایاند، و حتی اگر آدمی درک کند که بهترین راه تأمین منافع شخصی او، همکاری و تعاون با همنوعانش است، باز هم برای او

---

۱. از ایمانوئل کانت به عنوان فیلسوف به تمام و کمال اخلاقی نام می برند، پیدایش نهضت رومانتیسم در اروپا و انسان گرایی کلاسیک در آلمان همه و همه زمینه ی مناسبی برای افکار کانت فراهم آورد. به طوری که در یک کلام می توان گفت کانت محصول عصر روشنگری است.

فلسفه اخلاق کانت و به تبع آن تربیت اخلاقی او مبتنی بر کرامت انسان است. کانت در امر مطلق(تنجیزی) به نحو پیشینی مطابقت از قانون را امر کرده و می گوید: «چنان عمل کن که قاعده ی رفتاری تو به عنوان قانون عام در همه زمان ها به کار گرفته شود» (صانعی دره بیدی. ۱۳۶۸. ص ۱۷۹)

جهت مطالعه بیشتر نظرات کانت به مقالات ذیل مراجعه شود:

تأثیر اندیشه های کانت بر تمدن معاصر نوشته شهلا محیی.

فلسفه تربیتی کانت و مبانی آن، طیبه ماهرو زاده، مجموعه مقالات علمی پژوهشی سمینار کانت: مطالعات انتقادی در فلسفه کانت ۲۸ تا ۳۰ آذر۱۳۸۳، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، چاپ اول۱۳۸۶

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

فایده‌ای نخواهد داشت، زیرا عقل انسان در تحلیل نهـایی، بنـده و خـدمتگزار شـهوات اوسـت. و چون عقل آدمی متکی به شهوات اوست، تنها وظیفه‌اش این است که بوسیله جستجوی عـواملی که می‌توانند شهوات را ارضا کنند در خدمت انسان قرار گیرد».

جدایی «اقتصاد» از «اخلاق و ارزشهای دینی»

آدام اسمیت کوشش فراوانی به عمل آورد تا تمامی رفتارهای انسان را برپایه نفع شخصی توجیه کند. در این نظریه »توسعه»، تنها صفات اخلاقی که در جهت تـأمین »منـافع شخصـی» عمـل می‌کنند، خوب هسـتند. مناقشـه «اسـمیت» بـا «مانـدویل» کـه صـفاتی از قبیـل جـاه‌طلبـی، ثروت‌اندوزی و لذت گرایی را رذایل اخلاقی و عیوب بشری معرفی کرده بود، موضع او را دربـاره معیار «فعل اخلاقی» به خوبی روشن می‌کند.

به این ترتیب، به جای تمامی آرمانها و اصول اخلاقی، فقط یک اصل، آنهم »فایـده‌گرایـی مادی»، مورد پذیرش »توسعه» به سبک سرمایه‌داری است، و همین اصـل، ماهیـت هـر مسـئله اقتصادی را تعیین می‌کند، چنانکه ویلیام جونز می‌گوید:

«رنج و لذت، بدون شک، اهداف نهایی همه محاسبات اقتصادی برای حداکثر کردن لـذت است. و همین امر، مسئله اقتصادی را تشکیل می‌دهد».

درواقع به اتکای همین اصل بود که آدام اسمیت قاعده‌کلی و جهانشمول خود درباره نظم طبیعی حاکم بر رفتار انسانها را ارائه نمود.

کینز نیز بر این عقیده بود که »اقتصاد، بـرخلاف علـوم طبیعـی، بـا درون‌گـری، ارزشـها، انگیزه‌ها، انتظارات، علوم اطمینانهای روانی و نیز با اطلاعاتی سر و کـار دارد کـه اغلـب در طـی زمان همگن نیست»[1].

به بیان دیگر، با پذیرش این مبنا که رفتار انسانها از یک قـانون غریـزی تبعیـت مـی‌کنـد، وظیفه علم اقتصاد را صرفاً تبیین پدیده‌ها و رفتارهای اقتصادی، آنگونه که »هست»، و نه آنگونه که »باید باشد»، می‌دانند.

مثلاً در برخورد با پدیده قیمت، عوامل مؤثـر بـر قیمـت تعـادلی، یعنـی عرضـه و تقاضـا و متغیرهای تعیین کننده هر یک از آنها را شناسایی کند، اما اینکه کدام قیمـت، عادلانـه اسـت و برای تحقق آن عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان چگونـه بایـد رفتـار کننـد؟ جـزء وظـایف عـالم

۱. باقر قدیری‌اصلی، سیر انـدیشه اقـتصادی، چـاپ هشتم، دانشگاه تهران، ص ۲۳۴-۲۳۲.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

اقتصاد نیست!! بلکه اصولاً نیازی به پاسخگویی به اینگونه سئوالها نیست، چرا که نظـم طبیعـی، منافع عموم را به بهترین شکل ممکن بوجود خواهد آورد.
اقتصاددانان کلاسیک، با اعتقاد به حاکمیت اجبارهای غریزی و سودپرستانه بـر جوامـع انسـانی، «نفع‌طلبی فردی» را تنها انگیزه رفتار آدمی و پی‌گیری »نفع شخصی» در شـرایط آزاد طبیعـی (بازار رقابتی)، قانون طبیعت برای تأمین منافع فردی و خیر همگانی، معرفی نمودند.
آنان، این قانون را بدون آنکه بر ایدئولوژی خاصی متکی باشـد، قاعـده عمـومی رفتـار اقتصـادی انسان دانسته و نظریه‌های علم اقتصاد را براساس آن بنا نموده. ادعا نمودند که محـدوده مسـائل و موضوعات اقتصادی، همانند موضوعات علوم تجربی، از مسائل اخلاقی و ارزشی، جدا است.

۳. مفهوم انسان اقتصادی از منظر اندیشمندان اسلامی

۱-۳. دیدگاه حداکثر سازی منافع دنیا و آخرت

دیدگاه حداکثر سازی منافع دنیا و آخرت دیدگاه جناب آقای دکتر علـی اصـغر هـاوی نیـا مـی باشد که به توسعه مفهوم انسان اقتصادی پرداخته است. ایشان پس از بیـان آمـوزه‌هـای قرآنـی مثل ابعاد سه گانه وجودی انسان (فطرت، مطلق گرایی، لذت پذیری و الـم گریـزی، تجـرد روح، بقای روح و اصالت روح) به عنوان برخی منابع انسان شناسی قرآن و ترکیب مناسب آنهـا سـعی می کند طرحی جدید و متفاوت با الگوی انسان اقتصادی غرب ارائه دهد. وی بیان می کند کـه هر نظریه پردازی که مطلق گرایی و لذت جوانی و پیری[1] را از ویژگیهای مشترک انسان بدانـد در پردازش الگوی انسان اقتصادی با توجه به این مبـانی انسـان شناسـی بایـد حـداکثر سـازی بهرهمندی‌ها یا لذات را از ویژگیهای مطرح شده را در الگوی خـود لحـاظ کنـد. از نظـر ایشـان ویژگی دیگری که باید در طراحی مدل انسان اقتصادی مورد توجه قـرار گیـرد تکیـه بـر عنصـر دیگر مبانی انسان شناسی قرآن یعنی ابعاد سه گانه وجودی انسان است چون این ابعاد سه گانـه سبب گسترش دایره لذت انسان به لذت مادی، غیر مادی دنیوی و لذات غیر مادی غیـر دنیـایی می شود. با توجه به این نکات تعریفی که وی از انسان اقتصادی ارائه می دهد چنین است:

---

۱. جهت کسب اطلاعات بیشتر در مفهوم مطلوبیت و لذت به فصلنامه علیمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴۴، زمستان ۱۳۹۰، مقاله دکتر هادوی نیا با عنوان (مفاهیم لذت و سعادت در اقتصاد اسلامی) مراجعه شود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

«انسان اقتصادی حداکثر کننده بهره مندیهای مادی، معنوی، و آخرتی در گستره تولید و توزیع و مصرف با بهترین ترکیب می باشد»[۱]

از نظر ایشان تفاوت اساسی این الگو با الگوی انسان اقتصادی غرب اینست که آنها در جهانبینی خود تمام رفتارهای انسان را به طبیعت یا غریزه که جنبه گرایش مادی در آن لحاظ شده بر می گرداند به همین دلیل یک جانبه گری را در الگوی خود لحاظ کرده است در حالی که در جهانبینی برخاسته از قرآن رفتارهای انسان از آفرینش خاص وی یعنی فطرت که امری دو سویه است ناشی می شود. از نظر وی واژه‌های بهترین ترکیب در تعریف مد نظر نمودی از این تفاوت است. زیرا در این الگو بر خلاف انسان اقتصادی غرب دایره اختیار انسان گسترش می یابد و شامل تمامی ترکیبهای گوناگون اقسام سه گانه لذت خواهد شد، به همین دلیل از نظر ایشان این الگوی معرفی شده قدرت تحلیل تمام رفتارهای انسان اقتصادی واقعی را دارد در حالیکه الگوی انسان اقتصادی غرب در بسیاری از رفتارهای انسانی را مبهم گذاشته یا با توجیهات بی پایه از آنها می گذرد. از نظر وی این نتیجه به خاطر رعایت دو نکته در تعریف پیشین بدست می آید: اول: این الگو همچنان که در الگوی انسان اقتصادی غرب مشاهده می شود درباره انسان نوعی (مسلمان یا غیر مسلمان) است این نکته با دقت بر مفاهیم معنوی و اخروی بدست می آید زیرا چنانکه بیان شد این مفاهیم به گونه ای در نظر گرفته شده اند که با توجه به جایگاه فطرت در مبانی انسان شناسی به هستی شناسی انسان نوعی بازگشته و به صورت امر مشترک بین تمام افراد انسان مطرح است. ثانیا: از نظر وی شامل شدن این الگو نسبت به ترکیبهای مختلف لذات موجب می شود که دارای قابلیت دربرگیری انسان مسلمان در تمام مراتب کمالیش باشد. از نظر وی دستیابی به بهترین ترکیب نیازمند هدایت تشریعی است که انسان مسلمان با دستیابی و استفاده از روش وحی از این هدایت برخوردار می شود، با توجه به این نکات از نظر وی این تعریف از نظر انسان اقتصادی با تامین تمام اهداف از پیش گفته شده از انسجام و وحدت نیز برخوردار است.

۲-۳. دیدگاه چندگانگی انسان اقتصادی

انسان در نگاه دیدگاه چندگانگی انسان اقتصادی دارای دو بعد است، بعد مادی و بعد معنوی. انسان در اسلام محصور در قوانین طبیعت نیست و این قوانین مقدم بر اراده انسان نمی باشد و انسان آزادانه می تواند امور زیادی را تغییر دهد.

---

۱. هادوی نیا، علی اصغر، فلسفه اقتصاد (در پرتو جهانبینی قرآن کریم) همان: ص ۲۷۴.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

فطرت سرشت انسان است و شامل غرایز نیز می باشد و این فطرت در رفتارهای اقتصادی تاثیر خود را می پذیرد، انسان نیز با توجه به طبیعت و سرشت خود شاخصه‌های فطری خود را دنبال می کند. یکی از شاخصه‌های مهم وجودی و فطری انسان سود جویی می باشد که اسلام این سود جویی را به شکل عام پذیرفته است اگر چه نکوهش‌های زیادی در خصوص ثروت طلبی و سود جویی در آیات و روایات وجود دارد اما این نکوهش حاکی از قرار دادن کسب ثروت و مال به عنوان هدف اصلی می باشد و در روایت و آیات دیگری بر تجمیع و استفاده درست نیز تاکید شده است.

بحث دیگر منافع فرد و جامعه است و طبق این دیدگاه جامعه دارای هویت می باشد، جامعه از نظر اسلام مقدم بر فرد می باشد و اسلام می خواهد بیشترین تعداد به سعادت برسند از این رو هر گاه تعارض و تزاحم بین منافع فرد و جامعه صورت گیرد منافع جامعه مقدم شمرده می شود. همچنین با توجه به بعد معنوی و أخروی انسان، اسلام او را تشویق به مقدم شمردن منافع جامعه کرده و در قبال این رفتار به او وعده پاداش داده است.

عقلانیت نیز در این دیدگاه با توجه به شرع و عقل می باشد چرا که انسان اقتصادی نفع و ضرر خود را با توجه به آخرت و دین خود تشخیص می دهد و اگر از دستورات و احکام خداوند طبیعیت کند به طور عقلانی رفتار کرده و بهشت پاداش او می باشد اما اگر کسی از این اوامر سرپیچی کند غیر عقلانی رفتار کرده و سرانجام به موجب این نافرمانی به جزای بد دچار خواهد گشت.

و سر انجام با توجه به موارد فوق (بعد معنوی، عقل و شرع و احکام اسلام) دایره مصرف و مطلوبیت انسان اقتصادی در اسلام گسترده تر از انسان اقتصادی متعارف می باشد از این رو رفتارها و اعمال خاص این انسان حاکی از این جهانبینی خاص می باشد.

۳-۳. رویکرد هنجاری به انسان اقتصادی

این دیدگاه نیز همانند دیگر دیدگاه‌های اسلام شناسان انسان را به چند بعد تقسیم می کند:

۱ـ بعد طبیعی: انسان دارای جسم و ماده می باشد اما نوع نگرش به این ماده باز هم در مکتبهای مختلف متفاوت است.

۲ـ بعد اجتماعی: انسان به طبع خود اهل مشارکت و همدلی و صمیمیت است، و در همان حال متمایل به مخالفت و سرکشی و تفوق دارد.و این انسان علاوه بر امور فوق الذکر دارای ویژگی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

هایی نظیر شهروند بودن، آزادی اجتماعی داشتن، سازگاری نمودن با نهادهای اجتماعی از جمله دین و دولت می باشد.

۳ـ بعد الهی و معنوی: انسان به خودی خود آگاه، خداآگاه، خداجو و تعالی طلب است و از این رو در زندگی خود دارای هدف و ارزش قائل است. غایت و راه زندگی را در بندگی می داند و زندگی را طبق بندگی خدا تعریف می کند و هدف اصلی او سعادت در جهان آخرت است.

عقلانیت و اخلاق در اقتصاد

تمرکز این دیدگاه به اخلاق در نظریه هایش می باشد و اخلاق را جزء اساسی ترین رفتار انسان اقتصادی مسلمان می داند و این اختلاف بین اقتصاد متعارف و انسان اقتصادی مسلمان از نظر این دیدگاه به شمار می رود.

این دیدگاه در بررسی حداکثر کننده فایده از نگاه اقتصاد متعارف اشکالی را بیان می کند که به شکل ذیل می باشد:

انسان به طبع خود دنبال حداکثر کردن سود می باشد اما این حداکثر کردن سود در اقتصاد متعارف به تعهدات شخصی و ارزشی انسان توجه ندارد. زیرا عملا مشهود است که بسیاری از رفتارهای اقتصادی انسانها را نمی توان بر حسب انگیزه حداکثر کردن نفع شخصی تبیین کرد. بنابراین یا باید گفت که اینان نوعا عاقل نیستند، یا در تلقی رایج از عقلانیت خللی هست. از این رو باید مفهوم عقلانیت را به شکل دیگری تعریف کنیم که جامعتر باشد، لذا اصول اخلاقی مانند وفا به تعهدات شخصی و غم خواری برای دیگران، نوع دوستی و غیره را باید در رفتار عقلایی ملحوظ کرد.

با توجه به بیانات گذشته رفتاری عقلانی به حساب می آید که در فعالیت‌های اقتصادی اصول اخلاقی نیز در آن وجود داشته باشد[۱]. از این رو رفتار عقلایی انسان با توجه به رفتار اخلاقی قوام پیدا می کند و این رفتار دارای ارزش‌های اسلامی می شود که مهمترین جزء آن رفتار اخلاقی که محتوای رفتار عقلایی می باشد[۲].

۱.کرمی، محمد حسین و دیارباز، عسکر. همان، ص ۲۰۰-۲۰۱.

۲. همان: ص۱۸۷.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

مختصات مهم انسان اقتصادی (سازگار با تعالیم اسلامی)

از نظر این دیدگاه با توجه اختلافاتی که انسان اقتصادی مسلمان با انسان اقتصادی متعارف کـه بیان شد اضافه بر آن دارای مختصات مهم دیگری می باشد که این مختصات با توجـه بـه آیـات قرآن بدست می آید که به طور مختصر عبارتند از:

۱ـ پرکاری و سخت کوش:

با تأمل دراحادیث و آیات می توان سخت کوشی و پرکـاری را جـزء یکـی از مؤلفـه‌هـای انسـان اقتصادی معرفی کرد.

از امیر مؤمنان نقل شده است:

«فعلیکم بالجدّ والاجتهاد وإذا صلیتم الصـبح وانصـرفتم فبکـروا فـی طلـب الـرزق واطلبـوا الحلال»[1]

بر شما باد تلاش و کوشش بسیار، وقتی نماز صبح را به جا آوردید در بـه دسـت آوردن روزی از خانه بیرون روید و در پی درآمد حلال باشید.

۲ـ پر درآمد بودن (بالقوه)

انسان اقتصادی برای اینکه بتواند در راه خدا انفـاق کنـد و یـا بتوانـد بـه خـانواده‌هـا و کارهـای خیرخواهانه بزرگ دست بزند باید پردرآمد باشد و این درآمـد بـالا بـا مؤلفـه سـخت کوشـی در شرایط عادی همبستگی مثبت و معنی داری را دارد.

«ألا وإنّ من البلاء الفاقة وأنّ من النعم سعة المال»

فقر و تنگدستی نوعی بلا و گرفتاری است، و فراوانی مال نعمت است.

۳ـ دارای پس انداز بسیار (بالقوه)

انسان اقتصادی برای آنکه بتواند به دیگران قرض دهد یا اینکه سرمایه گذاری بزرگی و خیری را انجام دهد به ناچار باید دارای پس انداز باشد لذا بـا توجـه بـه برخـی آیـات و روایـات انسـان را تشویق به پس انداز نموده است، در اینجا نکته مهم این است که نباید پول و درآمد را کنز کنـد بلکه آنها را در راه خدا و نیازها به صرف برساند.

---

۱. کلینی،محمد بن یعقوب، فروع کافی، ج۵، ص۷۸.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

(مَنْ ذَا الَّذِی یقْرِضُ اللهَ قَرْضاً حَسَناً فَیضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافاً کَثِیرَةً)[۱]
کیست آن کس که به بندگان خدا وام نیکویی دهد تا خداوند آن را برای او چند برابر بیفزاید.

۴ـ کم مصرف «قناعت پیشه»

در روایات و آیات انسان را تشویق به قناعت کرده است و این قناعت به این معنا نیست که مصرف نکند بلکه قناع را می توان در چهار مرحله و پله تعریف کرد:
الف) عدم اسراف و تبذیر، ب) قناعت کردن، ج) مصرف کمتر از حد معمول، د) مصرف در حد ضرورت و لزوم.
قناعت تا جایی می تواند درست باشد که ضرری به بدن انسان وارد نشود.

۵ـ دارای برنامه و نظم بودن

مسلمانان چه در فعالیتهای اقتصادی و چه در فعالیتهای دیگر خود دارای نظم و برنامه است.
«أوصیکما وجمیع ولدی وأهلی ومن بلغه کتابی بتقوی الله ونظم أمرکم»[۲]
در پایان از نظر این دیدگاه الگوی مقبول انسان اقتصادی عبارتست از:
«توزیع انرژی و زمان بین فعالیتهایی که صبغه اقتصادی بیشتری دارند و فعالیتهایی که صبغه فرااقتصادی بیشتری دارند، به گونه ای که با در نظر گرفتن معیار بندگی خداوند متعال، بیشترین مطلوبیت را داشته باشد»[۳]

۳-۴. دیدگاه حداکثر سازی لذت دنیا و آخرت

از نظر این دیدگاه انسان در اسلام دارای دو بعد است:
بعد مادی: که همان بدن می باشد
بعد معنوی: که همان روح است و واقعیت انسان به روح است.

۱. سوره بقره،آیه ۲۴۵.
۲.نهج البلاغه،نامه ۳۱.
۳.کرمی، محمد حسین و دیارباز، عسکر .همان، ص۱۹۳.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

۱-۳-۴. انواع لذتها:

لذت گرایی و الم گریزی از شاخصه‌های اصلی انسان است و بنا بر تعریف این دیدگاه سعادت انسان چیزی جز طلب لذت بیشتر و رنج کمتر نیست. اما لذتها و رنجها در نوع مادی و دنیوی اش محصور نیست، بر اساس جهان بینی اسلامی، لذت‌ها و رنج‌های دنیوی از جهت کمیت با لذت‌ها و رنج‌های اخروی قابل قیاس نیستند[۱]. بنابراین از نظر این دیدگاه لذات بر دو گونه دنیوی و اخروی تقسیم می شود و انسان به تبع گرایش خود در پی حداکثر کردن لذات خویش از هر دو دنیا و گریز کردن از رنج در هر دو دنیا می باشد.

۲-۳-۴. تزاحم لذات دنیا و آخرت

در بسیاری از موارد این لذت‌ها در تزاحم با یکدیگر قرار می گیرند، برای مثال لذت‌های مادی و دنیوی انسان را از لذت‌های روحی و اخروی محروم می سازد[۲]. انسان مسلمان در رفتارهای اقتصادی با توجه به جهانبینی اسلامی سعی در بدست آوردن لذتهای اخروی می کند چرا که لذتهای اخروی پایدارتر و از لحاظ کمی و کیفی بیشتر می باشد به تبع آن این انسان اگر بخواهد به این لذات برسد باید راه انبیاء و تبعیت از دین اسلام را در پیش گیرد. اسلام گرایش فطری به لذت و فرار از رنج را به رسمیت می شناسد و با دستورهای خود، انسان را به سمت لذتهای برتر و پایدارتر راهنمایی می کند. بر این اساس انسان سعادتمند انسانی است که سر جمع لذات دنیوی و اخروی اش بیشینه گردد. اما در مقام تزاحم لذتهای اخروی بر لذتهای مادی ترجیح دارند[۳]. بنابراین لذات دنیوی، چانچه به لذات اخروی انسان آسیب وارد نکند، مجاز شمرده می شود و می تواند در سعادت انسان تأثیر مثبت داشته باشد.

۳-۳-۴. ویژگیهای عقلانی انسان

انسان در غرب به دلیل تک بعدی بودنش فقط مسیر اشباع غرایز نفسانی را دنبال می کند اما با توجه به بعد معنوی و أخروی انسان در اسلام، این مسیر همراه با کشف معارف الهی و رازهای

---

۱. میر معزی، حسین، نظام اقتصادی اسلام (انگیزه‌ها و اهداف)، همان، ص۶۸.

۲. همان: ص۶۹.

۳. میر معزی، حسین، نظام اقتصادی اسلام (انگیزه‌ها و اهداف)، همان، ص۶۹.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

نهفته و بایدها و نبایدها شرعی می باشد که قدم برداشتن در این مسیر یکی از ویژگی‌های عقلانی انسان اقتصادی مسلمان می باشد.

اما رفتارهای اقتصادی این انسان با توجه به دین اسلام شکل می گیرد و مهمترین عامل آن اخلاق و ارزشهای اخلاقی می باشد.

این دیدگاه عقیده دارد که مکتب اخلاقی اسلام هم راه تشخیص کمال مطلوب انسان را دارد و هم راه رسیدن به این کمال را فراهم می سازد.

در جهانبینی اسلامی کمال نهایی انسان قرب به خداوند متعال و رسیدن به مقام رفیع عبودیت است. بنابراین کمال نهایی انسان در جهانبینی اسلامی، به روح و جنبه غیر مادی اش نیز مرتبط است و هدف خلقت نیز چنین می باشد[۱].

پس از بیان مطالب فوق این دیدگاه غرایز انسانی را محترم شمرده و بعد از آن فطرت که باعث تعالی انسان است را بیان می کند و مهمترین مساله در فطرت از نظر جهانبینی اسلام بعد اخلاقی آن است و رفتارهای انسان اقتصادی مسلمان با توجه به بعد اخلاقی این مکتب ارزشمند و متفاوت از بقیه دیدگاههای غربی می شود.

با توجه به بعد اخلاقی این مکتب بیان می کند که «هر کاری که در مسیر این کمال قرار گیرد، ارزش اخلاقی دارد و هر کاری مانع حرکت انسان به سوی خدا شود یا او را از خدا دور کند، ضد ارزش است»[۲].

۴-۳-۴. منافع فرد و جمع

این دیدگاه بر اساس نظر خود از جهانبینی اسلامی، تمامی مؤلفه‌های فردگرایی را مردود می داند، و جامعه را جمع جبری افراد ندانسته بلکه جامعه را مجموع افرادی که با هم ارتباط دارند و در هم اثر می گذارند را قبول دارد. این تاثیر و تأثرات و اهداف و انگیزه‌ها و عواطف و اندیشه‌ها جامعه را به شکل مشترک درست می کنند که این اشتراکات به یک روح جمعی تبدیل می شود و بر جامعه حاکم است[۳].

---

۱. برگرفته از: میر معزی، حسین، نظام اقتصادی اسلام (انگیزه‌ها و اهداف)، همان، ص۶۵.

۲. میر معزی، حسین، نظام اقتصادی اسلام (مبانی فلسفی)، همان، ص۸۹.

۳. برگرفته از: میر معزی، حسین، نظام اقتصادی اسلام (انگیزه‌ها و اهداف)، همان، ص۶۷.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

۵-۳-۴. نیازها و مطلوبیت‌های انسان اقتصادی مسلمان

نیاز با در نظر گرفتن هدف غائی انسان تعریف می شود. تامین معاش نیز از آن جهت مهم است که نیل و رسیدن به هدف را ممکن می سازد این معاش تا جایی که به انسان آرامش زندگی دهد و بدون دغدغه به عبادت خداوند بپردازد مطلوب است.

این دیدگاه همان حد اعتدال را برای انسان اقتصادی قابل قبول می داند و اسراف و تبذیر را از اضرار انسان اقتصادی می داند.

اما نیازها و مطلوبیتهای انسان اقتصادی با توجه به نیازهای روحی و معنوی گسترده تر می شود.

نکته قابل توجه در نیازها از نظر این دیدگاه نیازهای ثابت و متغیر انسان است. نیازهای ثابت همان نیازهای جسمی و فطری انسان است مثل خوردن و آشامیدن و پوشاک اما نیازهای متغیر انسان با توجه به فرهنگ و دین و... شکل می گیرد و این نیازها در انسان اقتصادی اگر با قواعد کلی اسلام و ا رزشها و اصول منافاتی نداشته باشد قابل قبول است[۱].

انسان اقتصادی مسلمان نیز چون از نظر جهانبینی اسلام مسئول است و روز قیامت باید پاسخگو باشد لذا رفتارهای خود را طبق شرع و بعد مادی و معنوی و أخروی خود تنظیم می کند.

جمع بندی و نتیجه گیری

همانطور که بیان شد انسان اقتصادی در غرب با توجه به شناخت انسان طبق مکتب دئیسم، انسان فرد گرا و نفع طلب است که این از ویژگیهای اساسی انسان در رفتارهای او معرفی می شود و رفتاری را عقلانی می دانند که مؤلفه‌های حداکثر کردن سود و مطلوبیت و نفع شخصی با توجه به تک بعدی بودن انسان در آن لحاظ شده باشد.

عقلانیت ابزاری و هماهنگی بین منافع فرد و جمع دو ویژگی دیگر انسان اقتصادی متعارف می باشد که نظریه تعادل عمومی را در بیان می کنند و از نظر آنان بین منافع فرد و جمع در اکثر موارد تزاحمی وجود ندارد و در آنجا که تزاحمی بوجود بیاید توسط قوانین بشری تعدیل می شود.

---

۱. میر معزی، حسین، نظام اقتصادی اسلام (انگیزه‌ها و اهداف)، همان، ص۹۸.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

البته شایان ذکر است که خود انسان اقتصادی از نظر اندیشمندان غرب نیز نقد شده و بعضی از اقتصاددانان انسان اقتصادی متعارف را قبول ندارند[۱].

اندیشمندان مسلمان نیز انسان اقتصادی را با توجه به شناخت متفاوت اسلام نسبت انسان، مؤلفه‌های متفاوتی برای انسان اقتصادی مسلمان تعریف می کنند. اندیشمندان ما کم و بیش بیان می کنند که اقتصاد سرمایه‌داری (متعارف) با نفی ارزشهای والای انسانی و تعالیم مذهبی و تقدیس رذائل اخلاقی، انسان اقتصادی را تعریف می کند و در واقع، به خاطر تنزل انسان از مقام والای خلیفه الهی، به مرتبه پایین حیوانیت و مادیت است که هواهای نفسانی، محرک انسان، و ثروت مادی، هدف او قرار گرفته شده و عقل نیز خدمتگزار شهوت و ابزار ثروت شده و اقتصاد جدید را رقم زده است. بنابراین اقتصاد سرمایه‌داری نه تنها از اخلاق و ارزشهای متعالی، جدا است بلکه اساساً ماهیت ضداخلاقی و ضدارزشی دارد.

اندیشمندان مسلمان در ترسیم الگوی انسان اقتصادی سازگار با اسلام از عنصر «فطرت» و «تجرد و بقای روح» و شامل بودن هستی از دو بخش اساسی طبیعت و ماورای طبیعت استفاده می کنند. با ترکیب آموزه‌های مزبور الگوهای کاملا متفاوتی حاصل شده است.

از آنجا که دیدگاه‌های مختلفی در مورد انسان اقتصادی وجود دارد جدول زیر برخی از مؤلفه‌های مهم انسان اقتصادی این دیدگاه‌ها را به شکل مختصر بیان می کند.

جدول ۱. مؤلفه‌های مهم انسان اقتصادی بر اساس دیدگاه‌های مختلف

نام دیدگاه	ابعاد وجودی انسان	حداکثر سازی	اثباتی یا هنجاری	عقلانی رفتار کردن	منافع فرد و جمع
سرمایه داری	مادی	ذاتی ـ حیوانی	اثباتی	طبق منافع شخصی	در راستای همدیگر
حداکثر سازی منافع دنیا و آخرت	مادی ـ معنوی اخروی	کمال انسان	هنجاری	عقلانیت فراگیر	ـــ
چندگانگی انسان اقتصادی	مادی ـ ملکوتی	ذاتی	اثباتی و هنجاری	بر پایه دین و شرع	ترجیح منافع جمع بر فرد
رویکرد هنجاری به انسان اقتصادی	طبیعی ـ اجتماعی الهی و معنوی	ساختار عجین شده با آموزه‌های اسلامی	اثباتی و هنجاری	عقلانیت به همراه ارزش‌های اخلاقی	ـــ
حداکثر سازی لذت دنیا و آخرت	مادی ـ معنوی	حداکثر سازی با حاکمیت عقل	اثباتی و هنجاری	مسئول بودن انسان به همراه اخلاق	تأثیر و تأثر بر همدیگر

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر به کتاب (ژید شارل و ریست شارل: تاریخ عقاید اقتصادی) مراجعه شود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

همانطور که طبق جدول مشخص است این اندیشمندان مسلمان حداقل به دو بعد مادی و معنوی انسان اشاره کرده و طبق جهانبینی اسلام، رفتار انسان اقتصادی متاثر از این دو بعد را بیان می کنند که دارای تفاوتهایی با هم نوع خود در غرب می باشد.

همه این اندیشه وران حداکثر کردن سود را قبول داشته اما بعد اخروی یا آموزه‌های اسلام را به آن اضافه کرده اند، بعضی دیگر حداکثر کردن توفیق، حداکثر کردن رضای الهی، عبادت خالصانه و... که همه اینها با حاکمیت عقل بر غرایز می باشد را به این انسان اضافه کرده اند.

قریب به اتفاق این اندیشمندان شاخصه‌های اصلی انسان فردگرایی را تا حدی قبول داشته و اینکه انسان به دنبال حداکثر کردن سود خود می باشد را نیز پذیرفته اما این حداکثر کردن سود را طبق ضوابط شرعی مجاز دانسته اند، قاعده حداکثر کردن سود و الم گریزی که مشابه آن در غرب است را نیز می پذیرند، اختلاف این مبناها با غرب در شناخت خوب و بد طبق جهانبینی می باشد.

منافع فردی انسان با منافع جمع در همه جا یکسان نیست چه بسا در خیلی از موارد دارای تزاحم است که اکثر این دیدگاهها با توجه به ترغیب انسان و اولویت داشتن منافع جمع بر فرد تکیه کرده و در حل این تزاحم انسان را تشویق به پیروی از منافع اخروی و پایدارتر کرده است.

اهداف انسان اقتصادی نیز به نوبه خود مهم است که در غرب هدف کسب لذت مادی است اما در رفتارهای انسان اقتصادی هدف از بدست آوردن مال و ثروت و... برای رسیدن به کمال و عبودیت کامل و خالص است.

لذا با توجه به نوع هدف بدیهی است که رفتارهای انسان اقتصادی مسلمان در مسیر تعالی و کمال است و این تعالی و کمال جز با پیمودن رهنمودهای انبیاء میسر نمی شود لذا در این راه از بعضی از منافع مادی نیز باید چشم پوشید چرا که منافع اخروی از لحاظ کمی و کیفی بالاتر از دنیا می باشد و لذا رفتار عقلایی آن است که این منافع را در نظر گرفته و با توجه به مسئول بودن انسان رفتارهای متناسب با آخرت داشته باشد. عقلانیت ابزاری نیز به نوبه خود مردود است چرا که عقل انسان نباید در گروی شهوات و غرایز باشد بلکه این غرایز باید در حاکمیت عقل قرار گیرد و با توجه به هدف خلقت انسان و آخرت رفتارهای عقلایی اخروی صورت گیرد.

از مطالب بالا استنتاج می شود که الگوی انسان اقتصادی مسلمان فقط از لحاظ ریاضی و حساب دو دو تا ـ آن هم نه چندان واضح ـ در قبال انسان اقتصادی متعارف تعریف می شود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

از نظر بنده اشکال وارد نسبت به این الگوها عدم تبیین ماهیت رفتارهای اقتصادی انسان است.

انسان دنبال منافع اخروی می باشد اما تمامی انسانها مثلا در انفاق، وقتی که انفاق می کنند در اندیشه خود منفعت اخروی را بزرگتر از منفعت مادی در دنیا لحاظ نکرده و بعضا به خاطر دل رحمی این کار خیرخواهانه را انجام می دهند که به نوبه خود نقض انسان اقتصادی می باشد.

لذا تبیین اینکه تمامی رفتارهای انسان اقتصادی مسلمان از این رو که منافع اخروی از لحاظ کیفی و کمی بالاتر است درست به نظر نمی رسد.

رفتارهای انسان در نگاه امیر مؤمنان علی (ع) اینگونه است:

«إِنَّ قَوْماً عَبَدُوا اللهَ رَغْبَةً فَتِلْکَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ وَإِنَّ قَوْماً عَبَدُوا اللهَ رَهْبَةً فَتِلْکَ عِبَادَةُ الْعَبِیدِ وَإِنَّ قَوْماً عَبَدُوا اللهَ شُکْراً فَتِلْکَ عِبَادَةُ اَلْأَحْرَارِ»[۱].

همانطور که از این فرموده امیر مؤمنان حاصل می شود رفتارهای اقتصادی انسان نیز بر سه قسم است:

قسم اول که خواهان نجات از عذاب اخروی هستند و این گروه کارهای را که شرع آنها را مخالف دانسته است را انجام نمی دهند مثل ربا، عدم پرداخت زکات و... .

قسم دوم که خواهان بدست آوردن بهشت می باشند که علاوه بر نجات از عذاب خداوند در پی بدست آوردن منفعت بیشتر نسبت به آن تجارتی که در دنیا با خدا داشته اند می باشند.

قسم سوم آن کسانی هستند که تنها رضای خداوند و قرب به یکتای واحد قهار و شکر را نیت خود قرار می دهند.

لذا اگر خارج از این سه قسم باشد می توان این عمل انسان را دور از اندیشه و نیت درست و عدم آگاهی دانست. پس رفتارهای انسان اقتصادی با توجه به سه قسم مذکور قابل تعریف بوده و انسان ایده آل علاوه بر تمامی جوانب «اندیشه عقلانی، نیت، آگاهی از مسائل دنیوی و اخروی و رضای یکتا» خود را به کمال می رساند وهدف او در پایان حدیث قدسی زیر می باشد:

«عبدی اطعنی حتی اجعلک مثلی أو مثلی أقول للشیء کن فیکون وتقول للشیء کن فیکون»[۲].

---

۱. شرح ابن ابی الحدید، ج۱۹، ص۶۹.

۲. بحار الأنوار: ج۱۰۲، ص۱۶۵.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

منابع

۱. قرآن کریم.

۲. نهج البلاغه.

۳. مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، انتشارات شرکت سهامی چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی، بهمن ۱۳۶۱.

۴. پژوهشکده حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها «سمت»، چاپ سوم، سال ۱۳۷۹.

۵. ژید شارل، تاریخ عقاید اقتصادی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۰.

۶. کرمی، محمد حسین و دیرباز، عسکر: مباحثی در فلسفه اقتصاد (علم اقتصاد و ارزشها، انسان اقتصادی)، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، بهار ۱۳۸۴.

۷. میر معزی، حسین، فلسفه علم اقتصاد اسلامی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، سال ۱۳۸۸.

۸. میر معزی، حسین، نظام اقتصادی اسلام (انگیزه‌ها و اهداف)، تهران، کانون اندیشه جوان، چاپ اول، بهار ۱۳۷۸.

۹. میر معزی، حسین، نظام اقتصادی اسلام (مبانی فلسفی)، تهران، کانون اندیشه جوان، چاپ اول، بهار ۱۳۷۸.

۱۰. هادوی نیا، علی اصغر، انسان اقتصادی از دیدگاه اسلام، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، سال ۱۳۸۲.

۱۱. هادوی نیا، علی اصغر، فلسفه اقتصاد (در پرتو جهانبینی قرآن کریم)، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.

۱۲. هادوی نیا، علی اصغر، معنویت و اقتصاد (مقایسه ای تطبیقی بین نظام اقتصادی اسلام و سرمایه داری)، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، بهار ۱۳۸۰.

۱۳. تاریخ عقاید اقتصادی: از فیزیوکرات‌ها تا استوارت میل، ژید شارل و ریست شارل، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.

۱۴. دادگر، یدالله؛ تاریخ تحولات اندیشه‌های اقتصادی، قم، انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۸۳، ص۲۱۷.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]